



شنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۱ - شماره ۳۴۵

جمعه – ۲۰ خردادماه – که روز جهانی صنایع‌دستی و آغاز این هفته است، با عنوان «صنایع‌دستی جایگزین نفت» نام‌گذاری شده است.

دومین روز از هفته صنایع‌دستی در ۲۱ خرداد به نام «صنایع‌دستی، آموزش، زنان، کودکان و تولیدفرهنگی» و سومین روز مصادف با ۲۲ خردادماه به نام روز «صنایع‌دستی،

روزهای هفته صنایع دستی را بشناسید

شمشین روز این هفته به نام «گردشگری خلاق، شهرها و روستاهای جهانی صنایع‌دستی» نام‌گذاری شده است.

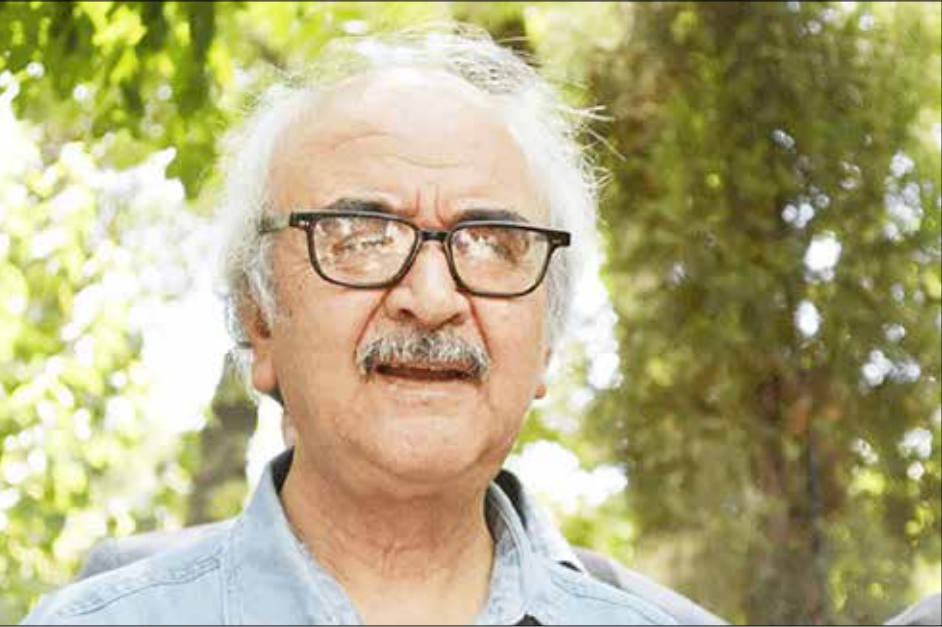
هفته صنایع‌دستی در آخرین روز خود که مصادف با ۲۶ خردادماه است با نام «صنایع‌دستی و هنرهای سنتی، امانت‌دار هزاران سال هویت ایرانی – اسلامی» پایان می‌یابد.

صنایع‌زیستی، برندساز، کاربردی و روزآمد» نام‌گذاری شده است.

همچنین چهارمین روز از این هفته در ۲۳ خرداد به نام «صنایع‌دستی، تحول‌گرا، ارزش‌آفرین و دانش‌بنیان»، همچنین پنجمین روز در ۲۴ خردادماه به نام «صنایع‌دستی، آگاهی‌بخش، فرهنگ‌ساز، کارا و اثربخش» و ۲۵ خرداد ماه

جایگاه شعر شیعیی کدکنی در ادبیات معاصر؛

م. سر شک به مانیفست شعر نیمایی بی‌اعتناست



استاد را افرادی تشکیل می‌دهند که با چشم بسته فکر می‌کنند و او را به دور از هرگونه خطا و اشتباه می‌دانند. علی‌رغم موفقیت‌های نسبی دکتر شفیعی در شعر نیمایی، او در غزل چندان موفق نیست، سبک خراسانی را تبعیت می‌کند که برای سرودن غزل ناب مناسب نیست. مضامین غزلیات این شاعر همه تقلید از گذشته است، به طوری که از لحاظ غزل می‌توان او را یک شاعر متوسط در حد شاعران دوران گذشته معرفی کرد. اگر دکتر شفیعی به تهران نیامده بود و اگر با نیما و شعر نیمایی آشنا نشده بود (به لطف دکتر علی شریعتی) و یک شاعر سبک خراسانی با سروده‌های سنتی باقی می‌ماند و حتی نمی‌توانست در حد و اندازه عماد خراسانی هم جایگاه شعری در ادبیات معاصر پیدا کند. پیروی از نیما او را عوض کرد و به شعرش جایگاه خوبی در میان شاعران معاصر بخشید. ولی استاد شفیعی نه تنها قدردان نیما نشد بلکه او را به خاطر دشمنی‌ای که دکتر خاخرلی با نیما پیدا کرد، به یاد انتقاد گرفت و در مظان اتهام قرار داد.

البته نگارنده را نظر بر آن است که شعر نیمایی باید دو مشخصه شاخص داشته باشد، غیر از آن که مصرع‌ها می‌توانند وزن عروضی داشته باشند و بلند و کوتاهی آنها بلامانع است، باید آنها تابع مانیفست نیمایی باشند و آن این است که شعری روشنگر و اجتماعی و برانگیزاننده آحاد اجتماع در احقاق حقوق مدنی و انسانی خود باشد. به طوری که به قول نیما اگر کارگری، کارمندی یا هر فرد دیگری آن را خواند، درد و ناراحتی خود را که از طرف حکومتی وقت به او وارد شده است، در آن ببیند. به گمان نگارنده شعر استاد شفیعی از مانیفست شعری نیما تبعیت نمی‌کند، بنابراین نمی‌توان آن را نیمایی تلقی کرد. همچنین باید توجه داشت که مانیفست شعر نیمایی محتواگراست و ضد فرمالیست.

اینک پس از این مقدمات به بررسی اجمالی مجموعه‌های شعر دکتر شفیعی می‌پردازیم:

م. سرشک در مجموعه شعر «زمزم‌ها» شعر تقلیدی به سبک خراسانی و متأثر از اندیشه‌های سبک هندی می‌سراید. اشعار این مجموعه از ضعیف‌ترین سروده‌های اوست، به طوری که خود شاعر تصمیم داشت تا این مجموعه را از آثار خود حذف کند ولی از این کار منصرف شد. دکتر شفیعی در مقدمه‌ای که بر این

■ **حسن‌گل محمدی**

محمدرضا شفیعی کدکنی یکی از شاعران معروف و شناخته شده در ادبیات معاصر ایران است که برای او سرودن شعر از همه فعالیت‌های دیگرش مهم‌تر است، به طوری که در کتاب «موسیقی شعر» گفته است: «شاید هیچکس باور نکند که دبلیستگی من به نقد ادبی و مطالعات در باب تصوف از فرط دل‌بستگی به شعر است. می‌توانم ادعا کنم که کمتر چیزی در این باب نشر می‌شود که من آن را با حوصله نخوانم.»

در یک بررسی کلی می‌توان گفت که استاد شفیعی شاعری فرمالیست و ایدئولوگ است. آدم ایدئولوگ به یک ایدئولوژی اعتقاد دارد. اما ذهن دکتر شفیعی در طول دوران زندگی ادبی و فرهنگی‌اش از یک ایدئولوژی ثابت و یکسان تبعیت نکرده است. او بسته به زمان و شرایط سیاسی و اجتماعی و بویژه نوع ارتباط و تعامل خود با افراد و سازمان‌ها، تحت تأثیر ایدئولوژی‌های غالب آن زمان، تغییر تفکر و تعامل داده است. موقعی که دوران شور و حال، دغدغه، رشد و مطرح شدن ایدئولوژی چپ با گرایش به چریک‌های جنگل بود، دکتر شفیعی شاعر ایدئولوژی چپ با گرایش به چریک‌های جنگل شد، بعدها که به همکاری نزدیک با دکتر پرویز ناتل خانلری پرداخت که این استاد نیز خود از حزب توده دوری جست و به سیستم اداری و سیاسی رژیم شاه گرایش پیدا کرده بود، دکتر شفیعی نیز نرم افزار ذهنی‌اش به تبعیت از دکتر خانلری به دستگاه‌های دولتی آن زمان نزدیک شد. هنگامی که انقلاب سال ۱۳۵۷ رخ داد، استاد شفیعی در ایدئولوژی مذهبی و عرفان اسلامی غرق شد.

سروده‌های دکتر شفیعی نیز با این تغییر و تحولات نرم افزاری ذهن و ایدئولوژی‌های شاعر تغییر پیدا کرده است، از شعر چریکی تا شعر بی تفاوتی در مقابل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی و از شعر بی تفاوتی تا شعر با مفهوم و مضامین عرفانی و تصوف. زبان شعری استاد شفیعی منحصر به فرد و خاص خود اوست به طوری که اشعار و سروده‌های او را در هر زمان و مکانی که بخوانیم با حال و هوای آن زمان و مکان قابل تأویل و تفسیر است.

به همین علت است که م. سرشک برای شعر خاستگاه تاریخی تعریف می‌کند و آن را فاقد زمان و مکان می‌داند. بعضی اوقات حتی به کاریگری اصول و ضوابط فرمالیست‌ها هم نمی‌توانیم از شعر دکتر شفیعی گره باز کنیم، چون او گاهی از قاعده و اصول فرمالیستی هم تخطی می‌کند و پا را فراتر از فرمالیسم می‌گذارد. درست است که تاریخ گرایي در شعر این شاعر جایگاه خاصی دارد ولی این بدان معنا نیست که او به یک دوره خاص و تاریخی تعلق دارد، شعر او به تمام دوران‌های تاریخی ارتباط پیدا می‌کند. زبان شعر دکتر شفیعی، زبانی مستقل و مختص خود اوست و به سختی قابل تقلید است، چون نتیجه مطلوبی را عاید مقلد نمی‌کند.

گرایش‌های صوفیانه در شعر شفیعی کدکنی

شعر استاد شفیعی از لحاظ نگارش فلسفی و سیاسی در حد و قواره شعر شاملو نیست و بیشتر به مفاهیم تجریدی از اعتقادات مذهبی و توجه خاص به مسائلی دارد که در آن آگاهی و آزادی و رهایی انسانی در محدوده و چارچوب خاص تعریف شده است. اگرچه شاملو به شعر عرفانی گرایشی ندارد ولی دکتر شفیعی گرایش‌های عرفانی و صوفیانه شدید دارد و دیدگاه‌هایش در دنیای لاهوتی سیر می‌کند و در این سیر و سلوک است که عقل و خرد را پس می‌زند و دل و عشق را برمی‌گزیند.

دکتر شفیعی شاعری مرگ بار است و می‌گوید عاقبت از این جهان می‌رود. پروانه برای دل او فال را گرفته است. او می‌گوید (در شعر ستاره دنباله دار) مرگ به صورت خفره‌هایی



زحل، حلقه‌ه نامرئی دارد. دانشمندان بهترین نگاه خود را به حلقه نامرئی یون‌های پرانرژی مجبوس شده در میدان مغناطیسی غول پیکر زحل داشته‌اند و دریافته‌اند که خلاف حلقه‌های مشابهی که در اطراف زمین ظاهر می‌شوند نامتقارن و بی‌وز است.

پهزاد اسدی فیلمساز و دانشجوی دکتری فلسفه هنر دانشگاه تهران شمال در یادداشتی با عنوان «حلقه نامرئی کجاست؟» که برای انتشار در اختیار مهر قرار گرفته، فلسفه افلاطونی را با یکی از چهره‌های دهه گذشته سینما یعنی گالوم در سه‌گانه «یاراب حلقه‌ها» مواجه کرده است. در ادامه مشروح این‌یادداشت را می‌خوانیم:

پهزاد اسدی فیلمساز و دانشجوی دکتری فلسفه هنر دانشگاه تهران شمال در یادداشتی با عنوان «حلقه نامرئی کجاست؟» که برای انتشار در اختیار مهر قرار گرفته، فلسفه افلاطونی را با یکی از چهره‌های دهه گذشته سینما یعنی گالوم در سه‌گانه «یاراب حلقه‌ها» مواجه کرده است. در ادامه مشروح این‌یادداشت را می‌خوانیم:

پهزاد اسدی فیلمساز و دانشجوی دکتری فلسفه هنر دانشگاه تهران شمال در یادداشتی با عنوان «حلقه نامرئی کجاست؟» که برای انتشار در اختیار مهر قرار گرفته، فلسفه افلاطونی را با یکی از چهره‌های دهه گذشته سینما یعنی گالوم در سه‌گانه «یاراب حلقه‌ها» مواجه کرده است. در ادامه مشروح این‌یادداشت را می‌خوانیم:

پهزاد اسدی فیلمساز و دانشجوی دکتری فلسفه هنر دانشگاه تهران شمال در یادداشتی با عنوان «حلقه نامرئی کجاست؟» که برای انتشار در اختیار مهر قرار گرفته، فلسفه افلاطونی را با یکی از چهره‌های دهه گذشته سینما یعنی گالوم در سه‌گانه «یاراب حلقه‌ها» مواجه کرده است. در ادامه مشروح این‌یادداشت را می‌خوانیم:

حلقه افلاطونی و گالوم

حلقه نامرئی کجاست؟



پیشا انسان تا همین عصر مدرن و پسامدرن حاضر فقط کسانی طماع، زیاده خواه، فردگرا همانند گالوم و گیگزها دنبال حلقه هستند هیچ‌چیزی جز خودشان و تمایلات شان مهم نیست.اگر رسخ شدگی را در یک مفهوم در فلسفه شرق در نظر بگیریم که یکی از چهار حالت (خلسه، تناسخ، مسخ و رسخ) تغییر روح در مقایسه با خود و جسم است.

شخصیت گالوم بعد از حالت مسخ شدگی توسط حلقه چیزی که شخصیت فروود هم سیملی از ندان طمع انسانی که او را به این فلاکت و بدبختی اسیر کرده در میان جنگ خیر، شر و نهیلیسم معنای وجودی از

■ **شام خصوصی نزار قبانی» در بازار؛**

ناگفته‌هایی از خداوندگار شعر عرب

نشر ایهام کتاب «شام خصوصی نزار قبانی: خاطراتی خواندنی از زندگی نزار قبانی به همراه عاشقانه‌ترین شعرهای او» نوشته احمد سعید محمدیه و ترجمه اصغر علی کریمی را با شمارگان ۵۰۰ نسخه، ۱۳۲ صفحه و بهای ۵۴ هزار تومان منتشر کرد.

این کتاب در بر گیرنده خاطرات احمد سعید محمدیه در خصوص نزار قبانی است. نویسنده حدود ۱۰ سال با این شاعر شهیر عرب دوست و همسایه بود و سال‌های طلایی زندگی نزار در بیروت را گذارش گذراند.

دیدن زندگی پر تلاطم و پر از شور و هیجان و دلنگی و ناکامی و اندوه و شادی نزار قبانی در خلال خاطرات یکی از نزدیکان وی نشان می‌دهد که تا چه اندازه شاعر بی نظیر جهان عرب در زیست شخصی و زندگی خصوصی‌اش صادق و بی ادعا بوده است.

در این کتاب مسائلی در خصوص سلیقه غذایی و معاشرتی نزار و نیز دوران کودکی و گرایش او به شعر و ادبیات و نیز روابطش با همسران و دوستانش به همراه برخی از روابط عاطفی و حتی روابط سیاسی نزار قبانی با چهره‌های مطرح روزگار وی و همچنین نشست و برخاست و با شاعران و ادیبان بیان شده است.

نویسنده در مقدمه کتاب گفته است: «از خوش شانس‌های من در زندگی این بود که بخش عمده‌ای از زندگیم را در همسایگی نزار قبانی در بیروت گذرانده

از دل انگیزترین لحظات عمرم زمانی بود که در دفتر کارم سرگرم بودن و نزار از طبقه سوم به دفتر من در طبقه دوم می‌آمد.

در پایان خاطرات بخشی از شورانگیزترین و عاشقانه‌ترین سروده‌های نزار قبانی ترجمان شده و نیز اشعار وی که توسط خوانندگان معروف جهان عرب از جمله عبدالجلیم حافظ و ام کلثوم و کاظم ساهر خوانده شده‌اند نیز ترجمه و درج شده است.

روزنامه صبح ایران



فرهنگ‌و هنر ۷

اخبار کوتاه

آثار باستانی ایران به چین می‌رود

جبرئیل نوکنده درباره از سرگیری همکاری موزه ملی ایران با دیگر کشورها برای برگزاری نمایشگاه‌های مشترک و متقابل، گفت: در جریان بازدید آقای خrugامی – وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی – از موزه ملی ایران، درباره برگزاری دوباره نمایشگاه‌های خارجی و استانی از سوی موزه ملی مذاکره و دستوره‌های خوبی صادر شد.

او درباره نزدیک‌ترین نمایشگاه خارجی موزه ملی ایران، گفت: فکر می‌کنم چین کشوری باشد که در آینده نزدیک بخشی از آثار موزه ملی ایران برای نمایش به آنجا انتقال داده شود و متقابلا بخشی از آثار موزه‌ای چین برای نمایش به ایران منتقل شود.

نوکنده افزود: قطعا که آثار منتخب موزه ملی ایران در شهر یکن به نمایش گذاشته می‌شود، اما هنوز موزه‌ای که قرار است این آثار در آن نمایش داده شود، قطعی مشخص نشده است؛ درحال چانه‌زنی در این باره هستیم و باید توافقی‌ها نهایی شود.

موزه ملی ایران پیش‌تر نیز نمایشگاه‌هایی را در چین برگزار کرده بود. سال ۱۳۹۱ حدود ۱۰ اثر برگزیده از موزه ملی ایران به موزه شائنگهای چین امانت داده شد تا در ششمین سال تأسیس این موزه، در کنار ۹۰ سفال تاریخی از کشورهای آمریکا، ترکیه، انگلستان، ایتالیا به نمایش گذاشته شود.

۱۳۹۸ نیز در نمایشگاهی با عنوان «شکوه تمدن‌های آسیا،ه مشترکا با ۲۱ کشور، از جمله افغانستان، پاکستان، ارمنستان، هند، اردن، تاجیکستان، مغولستان، ترکمنستان، میانمار، سریلانکا، آذربایجان، لبنان، امارات متحده عربی، کامبوج، ژاپن، عربستان سعودی، مالزی، سنگاپور، لائوس از قاره آسیا و یونان و مصر از قاره‌های اروپا و آفریقا، ۱۵ شیء آثار تاریخی را برای نمایش به یکن فرستاده بود. در همین سال، ۱۴ قلم شیء دیگر از موزه ملی ایران در شهر ممنوعه چین، در نمایشگاهی با عنوان «دنیای لونگ چوان: سلاودن لونگ چوان و جهانی شدن» به نمایش گذاشته شد که بازگشت این آثار به ایران با اجرای دستورالعمل‌های سنگگیرانه دوران کرونا در سال ۱۳۹۹ همزمان شد.

ایران و چین در بیانیه مشترک «بیتکار عمل آسیایی در حفاظت از میراث فرهنگی» که به مناسبت پنجاهمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک دو کشور در سال ۱۴۰۰ امضا شده است نیز نسبت به برگزاری نمایشگاه‌های متقابل آثار موزه‌ای در خاک دو کشور متعهد شده‌اند.

برگزاری نمایشگاه‌های متقابل و مشترک آثار باستانی و تاریخی ایران در یک دهه گذشته بیشتر به واسطه تقاضاهمراهی سازمان وقت سیا وزارت کنسولی میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و همچنین موزه ملی ایران با برخی موزه‌ها و کشورهای دیگر بوده که تا کنون نیز، چندین نمایشگاه به صورت مشترک و یا متقابل در آلمان، هلند، ایتالیا، هلند، اسپانیا و چین برگزار شده است. هرچند این رویه از اواخر سال ۱۳۹۸ با تشدید برخی تحریم‌ها علیه ایران متوقف کرد.

جبرئیل نوکنده – رییس کل موزه ملی ایران – در سال ۹۸ پس از لغو نمایشگاه آثار باستانی ایران در آلمان، گفته بود: باتوجه به آنکه تحریم‌ها علیه ایران افزایش یافته است، شرکت‌های بیمه که قرار بود اشای تاریخی ایران و آلمان را بیمه کنند، اعلام کردند که نمی‌توانند این کار را انجام دهند. با توجه به آنکه نمی‌توانیم اشیا را بیمه کنیم از این رو برگزاری نمایشگاه‌ها لغو می‌شود. ما در شرایط سیاسی بحرانی به سر می‌بریم و آسیب‌هایی که ممکن است به میراث‌فرهنگی وارد شود، دوری‌پذیر است.

